

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ فبروری ۲۰۲۱

منافع امپریالیسم امریکا، دولت دست نشانده، طالب و کشورهای همسایه از حضور قوای اشغاکر در افغانستان

(۶)

دوشنبه - ۲۰ دلو ۱۳۹۹ - کابل:

پ- روسیه و چین:

روسیه و چین از جمله کشور هائی به شمار می روند که علی رغم سیاست ستراتیژیک واحد آنها مبتنی بر "منطقه عاری از قوای امریکا و شرکاء" و فعالیت آگاهانه و دقیق جهت رسیدن به آن ستراتیژی، در مقطع کنونی نه تنها طرفدار خروج نیروهای امریکائی از افغانستان نیستند، بلکه با ده ها و صد ها تکتیک تلاش دارند، تا هرچه بیشتر پای این غول آهنین را در افغانستان فروبرده، تا آنجائی که در توانشان است در همین باتلاق او را ضربت بزنند. به عبارت دیگر هر دو کشور تلاش دارند، تا از طریق اتخاذ تکتیک های مغایر با ستراتیژی، به اهداف ستراتیژیک شان نائل آیند، یعنی فضای بازی سیاسی را قسمی عیار سازند ک حریف را به وسیله خودش و به امید پیروزی کاذب، به شکست بکشانند. زیرا:

*- به دنبال یک قرن سلطه روسها بر آسیای میانه و به خصوص در جریان حاکمیت کامل و شکلی قدرت شورا ها در این خطه و تغییر سیمای تمام این مناطق از کشور های عقب مانده آسیائی با حیات نیمه بدوی که در کتاب "بازی بزرگ" قسماً بازتاب داده شده است، به کشور های صنعتی و زراعتی ماشینی با برخورداری از حد اعلای کادرهای تربیه شده در تمام رشته ها، علی رغم آن که با اضمحلال حاکمیت شوروی و تجزیه آن کشور، ظاهراً تمام کشور های آسیای میانه، مستقل اند مگر در واقعیت امر بر مبنای ترکیب نفوسی این مناطق که متأثر از تطبیق سیاست روسی سازی مناطق ظرف ۱۰۰ سال بوده است و ده ها و صدها قرار داد در زمینه های مختلف، روسها این منطق را با تمام دار و ندار آن، نه تنها حیاط خلوت خود بلکه بخش انفکاک ناپذیر خود دانسته، به هیچ صورت حاضر نیستند، به قرن ۱۹ برگشته این بار منطقه را به میدان زور آزمائی خودشان با امریکا و متحدینش مبدل بسازند.

از همین رو تلاش دارند تا پای رقیبانش را از منطقه دور نگه دارند. از این امر می باید چنین استنباط گردد که وقتی آنها نمی خواهند حریفان شان در منطقه حضور داشته باشد، می باید طرفدار خروج نیروهای امریکائی و شرکاء از مجموع منطقه من جمله افغانستان نیز باشند؛ چنین استنباطی مطلقاً درست است، یعنی روسها واقعاً نمی خواهند حتا یک سرباز و یا یک مشاور امنیتی و حتا یک کارمند و نماینده عادی کشور های امپریالیستی رقیب در این منطقه وجود

داشته باشد، آنچه مهم است تکتیکی که آنها را برای رسیدن به چنین هدفی اتخاذ می نمایند، ظاهراً در مخالفت کامل با خواست ستراتیژیک آنها قرار دارد یعنی تکتیک آوردن و نگه داری رقباء در منطقه مشخصاً افغانستان به منظور بیرون راندن آنها.

روسها با شناخت نظری و تجربی که از افغانستان در مقایسه با کشور های آسیای میانه و حتا جهان دارند، این نکته را در ازای قربانی شدن بیش از ۱۵ هزار سرباز و افسر روسی، تحمل میلیارد ها روبل خساره و سرانجام سقوط نظامی که هیچ کسی نابودی آن را تصور نمی کرد، بخوبی دریافته اند که باشندگان این سرزمین در طول تاریخ ۵ هزار ساله اش هیچ گاهی پایش را از یک جنگی که ماهیت دفاعی داشته باشد، عقب نکشیده است. جنگ دهه های متوالی طول کشیده، نسل ها آمده و رفته اند، مگر در خواست راندن اشغالگر بیگانه هیچ تغییری به وجود نیامده است. مردم در جنگ متولد شده اند، در جنگ بزرگ شده، تشکیل خانواده داده اند، در جنگ کشته شده اند، مگر درفش مبارزاتی آنها بر زمین نمانده، فرزند، نواسه و کواسه و ... های آنها آن درفش خونین را بر دوش بر داشته، به جنگ ادامه داده اند.

با چنین شناختی روسها خوب می دانند که می باید امریکا و شرکاء را در همین سرزمین میخکوب نمایند، آنقدر از آنها به کشتن دهند، آنقدر مصارف نظامی را بر آنها تحمیل دارند، که سرانجام دو دست را به دو گوش گرفته، توبه کنان و در چنان وضعیتی از افغانستان فرار نمایند که دیگر نام افغانستان برای خودشان و فرزندان شان کابوس ادامه جنگ معنا بدهد. از همین رو می خوانیم و می شنویم که روسها همیشه با عبارت دیپلماتیک " خروج مسؤولانه" مخالفت شان با خروج نیروهای امریکائی و شرکاء را از افغانستان اعلام می دارند.

روسها خوب می دانند که تا زمانی که پای امریکا در باتلاق افغانستان گیرمانده و هر لحظه امکان به زیر فرو رفتن بیشتر در باتلاق وجود داشته باشد، نه تنها در سایر مناطق امپریالیسم امریکا و شرکاء ناگزیر اند دست به عصا راه رفته، ماجراجوئی دیگری را آغاز ننمایند، بلکه حد اقل جهت کنترل میزان تلفات شان هم که شده می باید از درب تعامل با رقباء وارد بحث بگردند.

ادامه دارد.